

در دفتر زمانه فنسند نامش از قلم  
هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت  
«فرخی یزدی»

### پیشگفتار

«او همان روزنامه‌ای را می‌خواند که پدرش در  
زمان خود می‌خواند. عقاید روزنامه چندین بار  
عوض شده اما او تغییری نکرده؛ همیشه بر همان  
عقیده خویش است.»

«رومن رولان، جان شیفته»  
[امروز باز شاه آ: روزنامه پدر سوخته - که  
خواندن این روزنامه مرا کشت - به دست من  
دادند.]

از یادداشت‌های روزنامه اعتماد السلطنه<sup>۱</sup>

بی‌گمان، مطبوعات از آغاز پیدایی تا زمان  
مانقشی مهم در آگاهی و خودآگاهی ملت‌ها بازی  
کرده است. مطبوعات یکی از رایج‌ترین و  
شاخص‌ترین محصولات جامعه صنعتی است.  
«پیشرفت آن از آغاز قرن هفده به توسعه تمدن  
غربی وابستگی تاریخی یافته ولی در نیمه دوم قرن  
نوزده و نیمه قرن بیست ویژگی‌های يك صنعت  
بزرگ را به خود گرفته و مصرف مرتب آن دست کم  
در کشورهای غربی در میان توده مردم فراگیر شده  
و به صورت نوعی عادت و رفتار اجتماعی درآمده  
است.»

در دنیای امروز مصرف سرانه کاغذ روزنامه و  
مجله ضابطه‌ای بسیار گویا برای اندازه‌گیری میزان  
توسعه و پیشرفت هر کشوری است.<sup>۲</sup>

مک لوهان که یکی از کارشناسان معتبر و  
صاحب نظر در مسایل مربوط به رسانه‌های  
همگانی است، از آن به «کهکشان گوتنبرگ» یاد  
کرده است. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس نامبردار  
معاصر در مورد نقش و اهمیت مطبوعات  
می‌نویسد:

«به واسطه‌ی روزنامه‌های مدرن ساکنان يك  
دهکده درباره‌ی رویدادهای معاصر شناختی بیش از  
يك نخست‌وزیر در صد سال پیش دارند.»<sup>۳</sup>  
ویلبر شرام که يك مترس پیشرو مطبوعات

جهان از دیدگاهی متفاوت است می‌گوید:  
«روزنامه‌های معتبر تا حد قابل توجهی با آنچه  
رهبری کشوری می‌خواهد بدانند و می‌خواهد  
دیگران بدانند شکل می‌گیرد و رهبری کشور هم تا  
حد قابل توجهی با آنچه روزنامه‌ها به او می‌گویند  
شکل می‌گیرد.»<sup>۴</sup>

اکنون پس از افکندن نگاهی کوتاه به نقش و  
جایگاه مطبوعات، بد نیست در مورد تعریف  
مطبوعات هم اشاراتی داشته باشیم.

### تعریف:

مطبوعات را نیز همانند بسیاری از مفاهیم  
دیگر از زوایای گوناگون دسته‌بندی کرده‌اند یا به  
عبارتی تعریف‌های گوناگون از آنها به دست داده‌اند.  
پیر آلبر در این باره می‌نویسد: «هر کس به تجربه  
می‌داند روزنامه، مجله، نامه هفتگی و ماهانه یا بولتن  
خبری چیست و همه آنها صرفنظر از تفاوت‌های  
ظاهری و محتوایی به مجموعه‌ای عالی تعلق دارند  
که ما آن را مطبوعات دوره‌ای می‌خوانیم. اما این  
برداشت غیر علمی برای تعریف مطبوعات کافی  
نیست و این تصور ذهنی از نشریه‌ای که در زمانهای  
معین و با يك عنوان همیشگی و ثابت انتشار می‌یابد  
قلمرو مطبوعات را مشخص نمی‌سازد... کلی  
بودن و دقیق نبودن این تعریف سبب می‌شود که  
تعداد چشمگیری اوراق دیگری را هم که  
به صورت دوره‌ای انتشار می‌یابد در برگیرد  
در حالی که این قبیل نشریات هم از نظر محتوا و هم  
از نظر منافع و مقاصد که به آن منظور چاپ  
می‌شوند با آنچه از مطبوعات منظور ماست تفاوت  
دارند...»<sup>۵</sup>

در يك تعریف غیررسمی دیگر می‌خوانیم:  
روزنامه نشریه‌ای است که به طور مرتب و منظم  
تهیه، چاپ و پخش می‌شود و بی‌هیچ قید و شرط در  
دسترس عموم قرار می‌گیرد. روزنامه نه بیانیه است  
و نه اطلاعیه و به همین لحاظ بردی عام و وسیع  
دارد.<sup>۶</sup>

ماده يك لایحه قانونی مطبوعات مصوب  
هزار و سیصد و يك که در دوران زمامداری دکتر  
مصدق تهیه و تدوین شد، در تعریف روزنامه  
می‌گوید:

«روزنامه یا مجله نشریه‌ای است که برای

## نگاهی به روزنامه‌نگاری در ایران تا پایان زمانمداری مصدق

دکتر علی اکبر امینی

که به جرایم مطبوعاتی باید در حضور هیأت منصفه رسیدگی شود: «در مورد تقصیرات سیاسیّه و مطبوعات هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.»<sup>۱</sup>

و پس از آن قانون مطبوعات سال ۱۳۳۱ در ماده ۳۵ بر اصل هفتادونهم مهر تأکید می‌زد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نخست در اصل سوم (بند ۲) رسالت مطبوعات را یادآور می‌شود: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همهٔ زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.» آنگاه در اصل بیست و چهارم بر آزادی مطبوعات انگشت می‌گذارد و در اصل یکصد و شصت و هشتم شیوهٔ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را معین می‌کند.

اصل بیست و چهارم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخّل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون معین می‌کند.»

اصل یکصد و هشتم: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...»<sup>۱۱</sup>

### نگاهی گذرا به پیشینهٔ مطبوعات در

#### ایران:

نخستین روزنامه در خاورمیانه در زمان سلطنت محمد علی پاشا در مصر منتشر شد؛ نامش «الوقایع المصریه» و سال انتشارش ۱۸۲۸ بود. سه سال پس از آن، روزنامه‌ای ترکی به نام تقویم وقایع منتشر گردید و «هشت سال بعد در ایران روزنامه کاغذ اخبار به اهتمام میرزا صالح شیرازی یکی از نخستین دانشجویان اعزامی به اروپا انتشار یافت.»<sup>۱۱</sup>

در مسیر تکمیل و تکامل روزنامه در ایران کسی که بیش از همه متحمل رنج و زحمت شد، میرزا حسین خان سپهسالار سیاستمدار چند چهره اما ترقی خواه دوران ناصرالدین شاه بود.<sup>۱۲</sup>

در آستانهٔ انقلاب مشروطه روزنامه‌نگاری از رونق ویژه‌ای برخوردار شد و مطبوعات نقشی کم‌مانند در پیروزی انقلاب مشروطه بازی کردند تا

روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به‌طور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه‌نامه طبع و نشر گردد.»<sup>۱۲</sup>

قانون مطبوعات مصوّب ۶۴/۱۲/۲۸ و طرح اصلاحی مصوّب سال ۱۳۷۹ در تعریف مطبوعات می‌گوید:

«مادهٔ ۱: مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شمارهٔ ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر آنها منتشر می‌شوند.»<sup>۱۳</sup>

### مطبوعات ایران در آئینهٔ قوانین

اگر چه قوانین مطبوعاتی از همان آغاز یعنی محرم ۱۳۲۶ هـ.ق. تا قانون مصوّب ۱۳۷۹ هـ.ش. همگی بر آزادی مطبوعات صحّه گذاشته‌اند، ولی در عمل همگی به نوعی خواسته‌اند همان آزادی مصرّح در قوانین اساسی مشروطه و انقلاب اسلامی را به گونه‌ای محدود کنند و در گذر زمان این جنبهٔ محدودگری هم بیشتر چهره نموده است. در اینجا لازم است اشاره داشته باشیم به جایگاه مطبوعات و رسالت آنها در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

در قانون اساسی مشروطه دو اصل به مطبوعات اختصاص یافته بود: اصل بیستم و اصل هفتادونهم. در اصل بیستم قانون اساسی مشروطه چنین آمده بود:

«عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضر به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.»

در اصل هفتادونهم نیز این نکته تصریح شده بود

○ اگر چه قوانین مطبوعاتی از همان آغاز یعنی محرم ۱۳۲۶ هـ.ق. تا قانون مصوّب ۱۳۷۹ هـ.ش. همگی بر آزادی مطبوعات صحّه گذاشته‌اند، ولی در عمل همگی به نوعی خواسته‌اند همان آزادی مصرّح در قوانین اساسی مشروطه و انقلاب اسلامی را به گونه‌ای محدود کنند و در گذر زمان این جنبهٔ محدودگری بیشتر چهره نموده است.

روزنامه‌ها بدون توجه به موضع اجتماعی پشتیبانان خود دم از انقلاب اجتماعی به مفهوم اعم می‌زدند. تقریباً همه‌شان حمله به حکومت را وظیفه خود می‌دانستند.<sup>۱۴</sup>

۱- بر سرهم، ویژگی‌های مطبوعات در این سالها عبارت بود از: ۱- گروهی شدن و قطبی شدن اندیشه‌ها و اهداف که ناشی از وابستگی بسیاری از مطبوعات به احزاب و گروهها بود؛

۲- پراکندگی روشهای سیاسی و اجتماعی که معلول ظلم و ستم ۲۰ ساله حکومت رضاشاه بود؛

۳- رشد همه‌جانبه هیأت‌های تحریریه و حتی رواج روزنامه‌های حرفه‌ای؛

۴- برطرف شدن کنترل و سانسور و ایستادگی در برابر دولتهایی که قصد تحکیم سلطه بر مطبوعات را داشتند؛

۵- رواج رشوه‌ستانی و کلاشی از راه نشر اکاذیب و تهمت زدن به ثروتمندان، فئودالها و کارخانه‌داران؛

۶- انتشار مقالات چاپلوسانه به سود محمدرضا شاه؛

۷- تنوع در شیوه و سبک نگارش و افزوده شدن مطالب سرگرم کننده؛

۸- قرار گرفتن روزنامه‌ها در دو طیف سیاسی راست و چپ با گرایش به انگلیس و شوروی.

### درگیری دولتها و مطبوعات

نخستین درگیری در زمان نخستین نخست‌وزیر محمدرضا شاه یعنی محمدعلی فروغی پیش آمد. او که یکی از نخست‌وزیران فاضل و اهل قلم بود، از فضای روزنامه‌نگاری حاکم بر آن زمان به تنگ آمد و در همان دوران کوتاه نخست‌وزیری چندماهه خود یعنی از شهریور ۱۳۲۰ تا اسفند ۱۳۲۰، با ۶ انتقاد شدید از سوی مطبوعات روبرو شد.

«فروغی چندی پس از عهده‌دار شدن نخست‌وزیری (شهریور ۱۳۲۰) با انتقادهای شدید مطبوعات مواجه شد. وی ابتدا به اندرزگویی توسل جست و به کرات ارزش حکومت قانون و ضرورت احترام به آن را به مردم یادآور گردید. . . . از آنجا که قانون مطبوعات پس از مشروطه جوابگو

آنجا که به نوشته یکی از خاورشناسان (رنه گروسه) «رستاخیز ملت ایران در آغاز قرن بیستم رستاخیز ادبی بود که بیشتر از طریق روزنامه‌ها متجلی گردید.»<sup>۱۳</sup>

به نوشته ادوارد براون «در سال ۱۲۸۶/۱۹۰۷ شمسی، هشتاد و چهار روزنامه در ایران منتشر می‌شده است.»<sup>۱۴</sup> این روزنامه‌ها چه از نظر کیفی و چه از حیث کمی در آن زمان در بیدارسازی افکار و اذهان نقشی مهم داشتند. همین روزنامه‌ها بودند که آتش به جان دیکتاتور خون آشام آن زمان یعنی محمدعلی شاه زدند تا آنجا که برای فرو نشانیدن آتش خشم خود، در تن از روزنامه‌نگاران را برای نخستین بار در تاریخ ایران به جوخه اعدام سپرد: میرزا آقاخان کرمانی و جهانگیرخان صوراسرافیل. پس از رفتن محمدعلی شاه و در دوران بیست ساله زمام‌داری رضاشاه نیز روزنامه‌ها بر سرهم وضع رضایت‌بخشی نداشتند. در آن روزگار هم دو تن از روزنامه‌نگاران یعنی محمدرضا عشقی و محمدفرخی یزدی بر سر این کار جان باختند. رضا شاه در اصل، بنا به مشی و مثنی خود، علاقه به مسایلی چون روزنامه‌نگاری نداشت.

### مطبوعات ایران در دهه ۲۰

یکی از درخشانترین دورانه‌های مطبوعات ایران دهه ۲۰ هجری شمسی است. با رفتن رضاشاه، فضای باز سیاسی به روزنامه‌ها مجال رشدی بی‌سابقه داد. تنها در فاصله سالهای ۲۰-۲۶ «۴۶۴» عنوان نشریه منتشر شد که ۴۳۳ عنوان به فارسی و بقیه به زبانهای ارمنی-ترکی-کردی-انگلیسی-فرانسوی-روسی و لهستانی بود.<sup>۱۵</sup>

به گفته آل‌ول ساتن که خود در آن سالها در ایران اقامت داشته است: «یکی از مسایلی مهم در این روزنامه‌ها این بود که امور داخلی را با نهایت آزادی مورد بحث قرار می‌دادند (امور خارجی توسط متفقین سانسور می‌شد). در همه دوایر حیات ملی مسایلی به جای اینکه از طرف يك نفر مایشاه و شاه دیکته شود، توسط نمایندگان منتخب حل و فصل می‌شد و سردبیران مطبوعات نیز این را از وظایف خود می‌دانستند که این نمایندگان را با وظایف و مسئولیتهای خودشان آشنا سازند. . . . اکثر

○ در مسیر تکمیل و تکامل روزنامه در ایران کسی که پیش از همه متحمل رنج و زحمت شد، میرزا حسین خان سپهسالار سیاستمدار چند چهره اما ترقی خواه دوران ناصرالدین شاه بود.

نبود، فروغی و وزیر دادگستریش مجید آهی کوشیدند تا در آخرین روزهای مجلس دوازدهم لایحه‌ای را جهت محدود کردن مطبوعات از مجلس بگنرانند. این کوشش ناموفق ماند زیرا نمایندگان استدلال کردند که مردم تازه از دیکتاتوری خلاصی یافته‌اند و آزادی نباید محدود گردد... نغمه‌های مقاومت در برابر محدود کردن «آزادی» به هر صورت که تفسیر می‌شد از جاذبه نیرومندی برخوردار بود و توجه گسترده‌ای را به خود جلب می‌کرد... دولت فسروغی و جانشینانش نه وسیله‌ای در اختیار داشتند و نه در موقعیتی بودند که خود را از وجود جرایدی مسئول و مطیع قانون برخوردار کنند.<sup>۱۷</sup>

پس از فروغی، علی سهیلی به نخست‌وزیری رسید. او در مقایسه با فروغی دشمنی و مخالفت بیشتر مطبوعات را به همراه آورد. در روزنامه پیش از همه با سهیلی از در ستیز درآمدند، یکی روزنامه باختر به مدیر مسئولی حسین فاطمی و دیگری مرد امروز به مدیریت محمد مسعود. سرانجام دولت از مجلس و قوه قضاییه برای سرکوب مطبوعات کمک خواست. این در تاریخ سرکوب مطبوعات کم سابقه بود که هر سه قوه در اعمال فشار بر جراید همپیمان شوند. درباره این فشار، حسین فاطمی در باختر نوشت: «کسانی خواستار خفه شدن مطبوعات و سانسورند که خودشان را حافظ قانون می‌دانند».<sup>۱۸</sup> تا نخست‌وزیری به قوام السلطنه رسید، همان که یکی از روزنامه‌نگاران آن روز یعنی محمد محیط طباطبایی به او لقب «پیرفروت خانقاه» داد. قوام با آنگونه آزادی سیاسی که بیشتر روزنامه‌نگاران خواهانش بودند موافقت نداشت و توانست مجلس را به اصلاح قانون مطبوعات و ادارات تا دولت بتواند کنترل بیشتری بر جراید اعمال کند. در این حرکت، قوام تنها از دو همتای پیشین خود یعنی فروغی و سهیلی پیروی می‌کرد.<sup>۱۹</sup> در هفت آذر ۱۳۲۱ به دستور قوام السلطنه و با اعلام حکومت نظامی توقیف مطبوعات شدت یافت و همه مطبوعات برای ۴۳ روز تعطیل شدند و فقط یک نشریه به نام اخبار روز چاپ و رایگان از سوی رژیم توزیع می‌شد که در واقع مبلغ افکار قوام بود.

ولی اقدامات قوام و قانون مطبوعاتش به کم شدن شمار جراید نینجامیده بود. در نیمه اسفند ۱۳۲۲ سفارت انگلیس شمار جراید را در تهران بیش از چهل روزنامه و هفته‌نامه با کمابیش همان مقدار درخواست برای انتشار جراید تازه بر آورد کرد. مسائلی چون کمبود کالاها از نان گرفته تا نفت، در کنار گرفتاریهایی مانند شیوع تیفوس یا رفتار ناشایست سربازان متفقین به گستردگی در جراید مطرح می‌شد و متفقین سخت به باد انتقاد گرفته می‌شدند. هدف اصلی این حمله‌ها، بیشتر انگلیسی‌ها بودند. جنبش در حال رشد هوادار شوروی که انگیزه ایدئولوژیک داشت ولی هنوز جانب احتیاط را از دست نداده بود نه تنها روسها را با نخبگان حاکم مرتبط نمی‌دانست بلکه هر کس را که از شوروی خرده می‌گرفت با برچسب جانبداری از «مرتجعین» در معرض بدنامی قرار می‌داد. حتی روزنامه‌هایی که سخت‌ترین دشمنی را با کمونیسم داشتند از حمله آشکار به اتحاد شوروی خودداری می‌کردند. «در حالی که از انگلیسی‌ها به مناسبت اهدای یک بیمارستان تخصصی برای درمان تیفوس تشکر شایسته‌ای به عمل نیامد و سفارت انگلیس را از این بابت بسیار آزرده خاطر ساخت، عرضه ۲۵۰۰۰ تن گندم توسط روسها مورد قدردانی سهیلی قرار گرفت و روزنامه‌ها همگی در این باره مقالاتی مملو از تقدیر و ستایش منتشر کردند».<sup>۲۰</sup>

در همین زمان مطبوعات کوشیدند برای خود تشکلی ایجاد کنند. این تشکیلات به نام اتحادیه جدید مطبوعات به همت پانزده تن از مدیران جراید بریا و موصوف و موسوم به «جبهه آزادی» شد. سپس شمار مدیران به ۳۰ و در سال ۱۳۲۴ به ۴۴ تن رسید. این اتحادیه در آغاز زیر تأثیر گرایشهای آشکار هوادار شوروی نبود و تا اندازه زیادی مستقل می‌نمود ولی رفته رفته تغییر موضع داد. بویژه پس از برپایی نخستین کنگره نویسندگان ایران در سال ۱۳۲۵ در محل سفارت شوروی در تهران، مطبوعات و بر سر هم بخش بزرگی از ادبیات سمت و سویی چپ‌گرایانه گرفت.<sup>۲۱</sup> انگلیسی‌ها که از این وضع ناراحت و نگران بودند، از پرداخت کمک مالی مستقیم به جراید

### ○ در آستانه انقلاب

مشروطه روزنامه‌نگاری از رونق ویژه‌ای برخوردار شد و مطبوعات نقشی کم مانند در پیروزی انقلاب مشروطه بازی کردند تا آنجا که به نوشته یکی از خاورشناسان (رنه گروسه) «رستاخیز ملت ایران در آغاز قرن بیستم رستاخیز ادبی بود که بیشتر از طریق روزنامه‌ها متجلی گردید.»

هیچ روزنامه‌نگاری به تهمت اهانت به مصدق بازداشت نشد.<sup>۲۴</sup>

در همان نخستین روز تشکیل جبهه ملی (۱۳۲۸/۸/۱۰) روزنامه مردم ارگان حزب توده، رهبران جبهه ملی را عاملان امپریالیسم انگلستان و دربار شاه قلمداد کرد. نمونه‌ای از مندرجات این روزنامه را می‌آوریم:

اکنون برای مردم مراقب و باهوش ایران کاملاً واضح و آشکار است که دولت مصدق مسأله نفت را می‌خواهد به سود امپریالیسم پایان دهد و با نام ظاهر فریب «ملی شدن» نفوذ استعماری را در منابع نفتی ایران پابرجا نگاه دارد. مصدق نقش دلال نفت را بازی می‌کند. . . . دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت می‌ورزد و برای پابرجا نگهداشتن نفوذهای ارجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر می‌زند.<sup>۲۵</sup>

روزنامه‌های وابسته به حزب توده یعنی مردم، چلنگر، و به سوی آینده، از يك سو و روزنامه‌های وابسته به دربار (البته خیلی کمتر) از سوی دیگر شب و روز به فحاشی مشغول بودند.<sup>۲۶</sup>

پس از کودتای ۱۳۳۲، روزنامه‌ها در محاق محدودیت و ممنوعیت افتادند و دیگر روزنامه آزاد غیر دولتی تقریباً پدیدار نگردید. تنها نشریه نامبردار «توفیق» بود که گاهی موجبات خشم شاه را فراهم می‌کرد.<sup>۲۷</sup>

این وضع تا چند ماه مانده به پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. با اوج گیری قیام و سست شدن ارکان حکومت پهلوی روزنامه‌ها جانی دوباره گرفتند و برای مدتی خوش درخشیدند. وضع و جایگاه و پایگاه روزنامه‌ها پس از انقلاب اسلامی، گاهی درشت‌گویی‌هایشان و زمانی مظلومیتها و محدودیت‌هایشان، نیاز به يك بررسی جداگانه دارد.

گوشه‌هایی از آن را به تازگی خانم نیکی کدی به قلم کشیده است.<sup>۲۸</sup> به هر روی

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

### منابع

۱. واکر، مارتین، قدرت جهانی مطبوعات، ترجمه م. قاید، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱

منصرف شدند و به امید تعدیل لحن انتقادی مطبوعات کوشیدند مدیران جراید را زیر نفوذ خود در آورند. به این منظور، اعضای سفارت از مدیران جراید دعوت و پذیرایی می‌کردند تا دوستی آنان را جلب کنند؛ نیز برای کاستن از دامنه انتقاد جراید تلاش می‌شد چه از راه کنترل بخشی از عرضه کاغذ روزنامه و چه به گونه مثبت یعنی پرداخت حق اشتراك بیشتر که نوعی کمک مالی غیر مستقیم بود، این هدف تأمین شود. البته مقامات انگلیسی خود را به تمهیدهای یاد شده محدود نمی‌ساختند و به دولت هم فشار می‌آوردند که مطبوعات را کنترل کند. جالب اینکه دولت حتی با کنترل و سرکوب روزنامه‌هایی که در چنته خود چیزی جز فحاشی و بدزبانی نداشتند، خود را در معرض اتهام تخطی از قانون اساسی قرار می‌داد! دیگر اینکه کنترل مطبوعات یکی از معدود ابزارهایی بود که با آن دولت می‌توانست حسن نیت خود را نسبت به بیگانگان نشان دهد!<sup>۲۹</sup> به سخن دیگر، هرگونه مخالفت با مطبوعات همچون خدمت به بیگانه شمرده می‌شد.

از دیگر ویژگیهای مطبوعات آن دوران این بود که گرچه در سراسر دهه بیست و ناسقوط دکتر مصدق فضای مطبوعات کمابیش فضایی چپ روانه بود، ولی گاهی جابه‌جایی‌هایی هم صورت می‌گرفت و این امر بستگی به دولتی داشت که بر سر کار می‌آمد. برای نمونه، در روزگاری که مرتضی قلی بیات از آبان ۱۳۲۳ تا فروردین ۱۳۲۴ بر سر کار بود، روزنامه‌های راست‌گرا نسبت به روزنامه‌های چپ‌گرا از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند حال آنکه در روزگار حکیمی و بطور کلی در بیشتر سالهای دهه ۲۰ روزنامه‌های چپ‌گرا وضع و آزادی عمل بهتری داشتند.<sup>۳۰</sup>

اما دوران به درستی طلایی مطبوعات، دوران زمامداری محمد مصدق بود. به رغم قانون مطبوعاتی تازه که در ۳۱/۱۱/۱۱ به تصویب رسید، روزنامه‌ها در دوران مصدق از آزادی کامل برخوردار بودند؛ بویژه روزنامه‌های وابسته به حزب توده با اینکه از بدزبانی و زدن تهمت و افترا به نخست‌وزیر خودداری نمی‌کردند، مورد تعرض قرار نمی‌گرفتند. هیچ روزنامه‌ای به این جرم و

○ به نوشته ادوارد براون  
«در سال ۱۲۸۶/۱۹۰۷ شمسی، هشتاد و چهار روزنامه در ایران منتشر می‌شده است.» این روزنامه‌ها چه از نظر کیفی و چه از حیث کمی در آن زمان در بیدار سازی افکار و اذهان نقشی مهم داشتند. همین روزنامه‌ها بودند که آتش به جان دیکتاتور خون‌آشام آن زمان یعنی محمد علی شاه زدند تا آنجا که برای فرو نشانیدن آتش خشم خود، دو تن از روزنامه‌نگاران را برای نخستین بار در تاریخ ایران به جوخه اعدام سپرد: میرزا آقاخان کرمانی و جهانگیرخان صوراسرافیل.

۲. آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱

۳. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز، ۱۳۱۷، ص ۹

۴. واکر، پیشین، ص ۴۷

۵. آلبر، پیشین، ص ۸

۶. مقدمه‌ای بر روزنامه‌نگاری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳، ص ۵

۷. دوستدار، مطلب، قانون مطبوعات، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۹

۸. همان

۹. رواندی، مرتضی، تفسیر قانون اساسی (مشروطه)، تهران، پیشین، ۱۳۵۷، صص ۱۴۸-۱۵۷

۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۱. الگار، حامد میرزا ملکم خان، ترجمه جهانگیر عظیمیا، تهران، انتشار، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳

۱۲. امینی، علی اکبر، گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب تهران، سیرنگ، ۱۳۸۲

۱۳. رنه گروسه و... «ایران و نقش تاریخی آن»، ترجمه غلامعلی سیار، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴-۱۱۳

۱۴. اسلامی ندوشن، محمدعلی جام جهان‌بین، ایران مهر، ۱۳۴۶، ص ۲۱۳

۱۵. ال‌ول ساتن و دیگران، ادبیات نوین ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱

۱۶. همان، ص ۲۳۳

۱۷. عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۴، ص ۶۸

۱۸. برای آگاهی بیشتر درباره حسین فاطمی و محمد مسعود نگاه کنید به:

تابانی، حبیب‌الله، فریاد روشنفکران یارنج فهمیدن، تهران، پرپور، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵

۱۹. عظیمی، پیشین، ص ۱۰۶

۲۰. همان

۲۱. امینی، پیشین، ص ۲۱۹

۲۲. عظیمی، پیشین، ص ۱۲۰

۲۳. ساتن، پیشین، ص ۲۳۹

۲۴. کاتوزیان، همایون، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷

۲۵. جامی، ن. گذشته چراغ راه آینده است، تهران، ققنوس، ۱۳۶۳، ص ۵۶۲

۲۶. وامقی، ایرج، «بررسی بخشی از يك كتاب: از سيد ضياء تا بختيار»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم شماره ۴۱-۴۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹، ص ۴۴

۲۷. علم، اسدالله گفتگوهای من با شاه، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱

۲۸. کدی، نیکی. آر. نتایج انقلاب ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، البرز، ۱۳۷۴، ص ۶۸

○ یکی از درخشانترین دورانیهای مطبوعات ایران دهه ۲۰ هجری شمسی است. با رفتن رضاشاه، فضای باز سیاسی به روزنامه‌ها مجال رشدی بی سابقه داد. تنها در فاصله سالهای ۲۰-۲۶ «۴۶۴» عنوان نشریه منتشر شد که ۴۳۳ عنوان به فارسی و بقیه به زبانهای ارمنی - ترکی - کردی - انگلیسی - فرانسوی - روسی و لهستانی بود.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی